

احمد یمنی شروانی، (۱۲۰۰-۱۲۵۶ق / ۱۷۸۶-۱۸۴۰م) از انشاپردازان و ادیبان و شاعران فارسی‌گوی و دانشمندان شیعی مذهب و ایرانی تبار شبه‌قاره.

وی از نوادگان جابر بن عبدالله انصاری است. اجداد وی از عراق به همدان مهاجرت کردند. پدر بزرگ وی، میرزا محمد ابراهیم، وزیر نادر شاه افشار (حک: ۱۱۴۷-۱۱۶۰ق) بود که پس از عزل به نجف اشرف رفت و در آنجا به فرمان نادر شاه به قتل رسید. پس از این رویداد، پدر احمد، میرزا محمد تقی علیخان مستوفی‌الممالک که ساکن شروان بود از ترس نادرشاه به یمن گریخت و در آنجا بود که عنوان شیخ را به نام خود افزود (اختر راهی، ۶۱؛ آقابزرگ، ۳۷۷/۲)؛ تربیت، ۳۱). او پس از آن راهی هند شد؛ نخست به نزد برادرش میرزا محمد حسن‌خان، که در بنارس می‌زیست رفت؛ اما بعد از وفات او به لکهنو سفر

کرد و به خدمت نواب آصف‌الدوله رسید. محمدتقی پس از مدتی به یمن برگشت (اختر راهی، همان)، و با دختر سید حیدر، تاجر بغدادی مقیم یمن ازدواج کرد. احمد در شهر حدیده یمن، به دنیا آمد (صبا، ۳۶؛ آقابزرگ، همان‌جا؛ استوری، 1(2)/229) و همان‌جا به تحصیل پرداخت. او علوم ادبی را از شیخ محسن بن عیسی نجفی و شیخ بهاء‌الدین بن قاضی محسن جبل عاملی و فقه شافعی را از علی بن یحیی عقیف یمنی و سید زین‌العابدین علوی مدنی و فقه شیعه را از پدر خود فرا گرفت (صبا، اختر راهی، همان‌جا). سپس به هند سفر کرد و پس از سیاحت بسیار در کلکته اقامت گزید و در مدرسه عالی به تدریس زبان و ادبیات عربی پرداخت. افزون بر آن به خواهش لیمسداون^(۱)، مدیر مدرسه، کتابهای درسی نیز تألیف کرد. احمد پس از مدتی به لکهنو رفت و مصاحب‌غازی‌الدین حیدر شد و دختر رکن‌الدوله سید محمد اسماعیل‌خان رضوی مرشد آبادی را به عقد خود درآورد. وی بعد از وفات غازی‌الدین حیدر به بنارس و سپس به بهوپال رفت و آنجا اتالیق نواب جهانگیر محمدخان والی بهوپال شد (اختر راهی، استوری، همان‌جا) و سرانجام به بمبئی و پونه سفر کرد و در شهر پونه درگذشت (صبا، استوری، همان‌جا). آقا بزرگ (۳۸۰/۶) به اشتباه محل

درگذشت وی را کلکته و سال وفاتش را ۱۲۵۰ق آورده است (و نیز نک: منزوی، ۶۰۱/۱۰). از نوادگان معروف وی می‌توان شیخ محمد عباس متخلص به رفعت، ادیب و شاعر فارسی‌گوی و از شاگردان اسدالله غالب را نام برد (صبا؛ استوری، همان‌جاها؛ اختر راهی، ۶۲-۶۳).

احمد به علم و ادب علاقه وافر داشت، و به زبان فارس و عربی شعر می‌سرود. محمدصادق‌خان اختر که از معاصران وی بوده اشعار فارسی وی را در آفتاب‌المتاب گرد آورده است (تربیت، اختر راهی، همان‌جاها). وی با علمای هند به‌ویژه علمای شیعه مکاتبه داشت، که از آن جمله می‌توان از مولانا رشیدالدین‌خان دهلوی (وفات: ۱۲۴۹ق) نام برد. شاگردان برجسته وی عبارت‌اند از: مولوی اوحدالدین بلگرامی، نویسنده فرهنگ معروف نفایس‌اللغات و مفتی خلیل‌الدین بن مولوی نجم‌الدین خان کاکاروی، قاضی‌القضات کلکته و نویسنده یک باب *التعزیرات* هند. احمد به سبب تألیفات خود شهرت فراوان به دست آورد، و به خواهش بزرگانی که به او ارادت داشتند، کتابهای متعددی را تألیف کرد (رحمان‌علی، ۱۰۵؛ اختر راهی، صبا، تربیت، استوری، همان‌جاها)، بر آثار او ردیه‌هایی نیز نوشته شده است.

آثار

به جز اشعار فارسی شیخ احمد، دیگر آثار وی عبارت است از: ۱. *المناقب‌الحیدریه* در رثای غازی‌الدین حیدر، فرمانروای لکهنو، که در ۱۲۴۵ق در لکهنو به چاپ رسید؛ ۲. *شمس‌الاقبال* در تمجید و بزرگداشت نواب جهانگیر محمدخان، فرمانروای بهوپال که در بهوپال چاپ شد؛ ۳. *تاج‌الاقبال فی تاریخ ملک بهوپال*؛ ۴. *نفحة الیمن*، مشهورترین تألیف وی، دارای حکایات و روایات جالب برای مبتدیان مدرسه عالی کلکته (چاپ، ۱۸۱۱م)؛ ۵. *العجب‌العجاب*، شامل ابواب عروض و قوافی که به اشاره لیمسداون و به سرمایه مدرسه عالی (فورت ولیم کالج) در ۱۸۱۳م به چاپ رسید؛ ۶. *حدیقة الافراح لازالة الاتراح* (چاپ، ۱۸۱۳م)؛ ۷. *بحرالنفایس*؛ ۸. *جوارس‌التفریح*؛ ۹. *منهج*

البیان؛ ۱۰. الجواهر وقاد فی شرح بانت سعاده؛ ۱۱. المکاتیب، مجموعه نامه‌های وی خطاب به مولانا رشیدالدین خان دهلوی و همچنین پاسخهای رشیدالدین که در ۱۳۱۵ق در دهلی به چاپ رسید (آقا بزرگ، اختر راهی، صبا، استوری، رحمان علی، تربیت، همان جاها)؛ نسخ خطی آثار شیخ احمد در کتابخانه‌های مشهور شبه‌قاره و ایران محفوظ است. (برای اطلاع بیشتر نک: ابن یوسف، ۱۲۳/۱؛ خواجه پیری، ۲۳۷/۱).

منابع: آقابزرگ، الذریعه؛ ابن یوسف شیرازی، فهرست کتب خطی فارسی و عربی در کتابخانه مدرسه عالیہ سپهسالار، تهران ۱۳۱۳-۱۳۱۵ش؛ اختر راهی، ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی، لاهور ۱۳۶۵ش؛ تربیت، محمدعلی، دانشمندان آذربایجان، تهران ۱۳۱۴ش؛ خواجه پیری، مهدی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه راجه محمود آباد، لکهنو، دهلی ۱۳۶۶ش؛ رحمان‌علی، تذکره علمای هند، لکهنو ۱۳۳۲م؛ صبا، مظفر حسین، تذکره روز روشن، به کوشش محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، تهران ۱۳۴۳ش؛ منزوی، مشترک؛ نیز:

Storey.

چندر شیکهر